



شنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۳ ● شماره ۸۶۶۷

irannewsapper ● irannewsapper ●



مسأله اصلی این است که آقایان مراجع، فتوای فقهی می دهند. اگر فتوای فقهی که فتوا و نظر است، در قانون بیاید، همه ملزم به رعایت هستند، اما اگر فتوا در قالب قانون نیاید، الزام حقوقی ایجاد نمی شود و صرفاً یک فتواست. مشکل ما این است که نهادهای قانونی و فراقانونی درست می کنیم.

این فراقانونی بودن، باعث می شود دست قانونگذار بسته شود. شوراهایی ایجاد می شوند که سهم تعیین کننده‌ای در قانونگذاری دارند

حضرت بقیةالله(ارواحنا فداه) ظهور کنند، زیرا حضرت تنها مصلح و تنها شخصیتی هستند که می توانند جهان و انسان را نجات دهند. با همین استدلال نتیجه می گیرند که برای ظهور حضرت(عج) تلاش می کنیم، هرچه هم می خواهد باشد. بنابراین، این یک تفکر است که در ظاهر آن، عنوان می شود به دنبال حضور و ظهور مصلح نهایی هستیم. اما سؤال این است که راه زمینه سازی برای حادث شدن ظهور چیست؟ عده‌ای که به این تفکر قائلند، در اینکه راه زمینه سازی ظهور چیست، مانده‌اند. درست است (فداه) به امرالهی ظهور کنند و جهان را پر از عدل سازند. اما راه آن کدام است؟ آیا راه زمینه سازی برای ظهور این است که انسانی کشته شود؟ حضرت آیت الله جوادی آملی کتابی دارند با عنوان «مهدی موجود موعود.» در آن کتاب بیان می کنند که اگر قرار باشد جامعه‌ای با کشتن انسان ها درست شود، خب در تاریخ بوده‌اند کسانی که در کشتن بسیار موفق تر بوده‌اند. آیت الله جوادی آملی می فرمایند وقتی امام زمان(عج) ظهور کردند، یک اشاره وحیانی حادث می شود و با این اشاره عقل جامعه تعالی می باید. زیرا اگر جامعه به عقل رسیده باشد، اداره آن مشکل نخواهد بود.

ایران به نظرمی رسد شما جریان هایی که ظهور را با روش های دیگر دنبال می کنند را صرفاً یک گفت و گوی طبیعی یا بحثی تلقی می کنید که حاشیه ای است بر دیگر نگرش ها. اما دو نکته وجود دارد. اول اینکه برخی معتقدند این جریان جدید موعودگر، عقل گریز است و دچار جمود فکری شده است. دوم اینکه مردم می گویند چرا به آقای میرباقری در شبکه چهار تلویزیون تریبون داده می شود تا دیدگاه های خود را مطرح کند، اما به شاگردان آیت الله جوادی آملی در تلویزیون فرصت صحبت داده نمی شود؟ از آن بالاتر، حتی دیدگاه های خود آیت الله جوادی درباره ظهور هم از تلویزیون پخش نمی شود، حرف های ایشان درباره ایران هم در تلویزیون جایی ندارد. مردم با دیدن این تفاوت برخورد تلویزیون، نتیجه می گیرند که دیدگاه موعودگرایانه آقای میرباقری در سطوحی یارار و هوادارانی پیدا کرده که می خواهند ایشان و دیدگاهش را برجسته کنند.

کسی منکر این قضیه نیست. هستند عده‌ای که هم به لحاظ فکری این رویکرد در دنبال می کنند و هم عملی. آیا ما منکر این هستیم که جریانی در کشور وجود دارد که چنین چیزی را بخواهد؟ ما هیچ منکر نیستیم. اما آن سخنوار و عالمانی که جریان انحرافی نیستند و اعتدالی محسوب می شوند، کتاب «منتخب الاثر» آیت الله صافی را بخوانند، یا سایر کتاب هایی که محققان برجسته نوشته اند. باید به این نکته توجه کنیم که دو قطب بودن در مسائل فکری همواره وجود دارد و جای نگرانی نیست. کما اینکه در طب هم جریان وحیانی، به همراه شوق مراجع و غور آنان در این مفاهیم، سبب شده همت و عمر خود را صرف احیا و نشر این مفاهیم بکنند.

ایران اما مسأله به سهولت این تفکیک در طب نیست. این نگرانی به این دلیل وجود دارد که آن تفکر که اگر انحرافی نباشد، دست کم اعتدالی نیست، در حال برقراری ارتباط ارگانیک با سطوح سیاسی است و این ارتباط، یعنی این تفکر در آینده می تواند قدرت اجرایی پیدا کند و داشتن قدرت اجرایی طبیعتاً متفاوت با قدرت فکری است. ریشه تاریخی ما، احتمال چنین عاقبتی است.

اگر جامعه در این زمینه احساس نگرانی می کند، این جامعه وسیع باید به میدان بیاید، حرف بزند، بنویسد و کتاب منتشر کند، اما جای نگرانی ندارد. به این دلیل جای نگرانی ندارد که مثلاً در طب، اگر معتقدان به داروهای گیاهی یا داروهای شیمیایی بر کرسی قرار گیرند، در هر دو صورت، مسأله مهم تر این است که شما باید جامعه را بیورفانید و زمینه های رشد و ارتقای آن را فراهم کنید. رسالت مطبوعات و نشریات آگاهی جامعه است. در حوزه های علمیه هم منابع وحیانی علما موجود است و کم کار نشده؛ مطالعات فراوانی درباره مهدویت انجام شده است. هر چند می بینیم مهدویت که می تواند بزرگ ترین فرصت برای جامعه شیعه باشد، اینها به بزرگ ترین تهدید برای جامعه شیعه تبدیل می کنند. مسأله این است که معتدلین و مؤمنین نباید ساکت یا منفعل باشند. ما با این فرهنگ که شما در سؤال هایتان سعی کردید ابعاد آن را مشخص کنید، با این فرهنگ که نمی توانیم مواجهه غیرعالمانه داشته باشیم. هر مواجهه ای با هر امر فرهنگی و فکری، باید از جنس فرهنگ و فکر باشد. ایشان که نام بردید، در قم زندگی می کنند و یکی هم که صد درصد افکارش

مخالف افکار ایشان است هم در قم زندگی می کند. در نهایت، این جامعه ماست که باید انتخاب کند کدام نوع از مهدویت را بپذیرد. آیت الله جوادی آملی در یکی از کتاب ها می نویسند: «جامعه‌ای که براساس عدل پیش برود، نیازی به اسلحه و کشتن ندارد.» معتدلین و مؤمنین باید چنین فکری را دنبال کنند. این اثری است که شخصیتی مانند آیت الله جوادی آملی تنظیم و منتشر کرده که هنگام نگارش این اثر، منابع قرآن و عبرت در کنار ایشان است. اینکه عده‌ای به دنبال فکر و راه دیگری هستند، نباید ما را نگران کند. اگر ما افکار خود را تبیین کرده و ایده های خود را تشریح کنیم، آنان خود به خود حذف می شوند.

ایران اما در سال های گذشته مثلاً خطبه های ظهر عاشورای آیت الله جوادی آملی یا دیگر سخنرانی های ایشان، از تلویزیون پخش می شد، اما اخیراً در شبکه های صداوسیما باید با ذره بین بگردیم تا شاید چند دقیقه از سخنرانی های ایشان را پیدا کنیم. انگار در صداوسیما دیگر جای برای افکار آیت الله جوادی آملی نیست، اما در مقابل چهره های ماندن آقای میرباقری راحت و به وفور تریبون دارند. از اینکه این چهره ها در میدان حضور دارند، نگران نیستیم. ما از این نگرانیم که خودمان در صحنه حضور نداریم. این چیزی است که باید درمان کنیم. ما در این رابطه چقدر تریبون را نزد شخصیت های ممتاز جامعه بردیم؟ فضلی حوزه، دانشگاهیان، محققین و مصنفین که کم نیستند. آثاری که منتشر شده را رصد و مقایسه کنید که چقدر از کتاب ها و آثار بر اساس این رویکرد نوشته شده و چقدر با رویکرد معتدلین؟ ما که جریان فکری و فقهی دیگری را نمایندگی می کنیم، باید در عرصه مطبوعات، نشریات و مجلات حضور داشته باشیم. اگر این حضور اتفاق بیفتد، آنان هم حذف می شوند.

ایران اما به نظرمی رسد آن که مدیریت تریبون صداوسیما را در اختیار دارد و رویکرد میهمانان هر برنامه را مشخص می کند، طور دیگری فکرمی کند. ممکن است این گونه باشد. ما که نمی توانیم بگوییم این طور باشد یا نباشد. به جای اینکه این طور فکر کنیم، باید برای تعالی و آگاهی جامعه تلاش داشته باشیم. باید با استفاده از ابزارهایی که در اختیار داریم، مانند کتاب ها، تصنیف ها و مطبوعات، با جامعه گفت وگو و آنان را راهنمایی کنیم.

ایران جزئیات با محتوای جلسات آقای پزشکیان با آیت الله جوادی آملی چیست؟ اخیراً در استان های کرمانشاه و سیستان و بلوچستان دو اهل سنت برای استاندارد ی انتخاب شده اند. یک روز قبل از صدور احکام این استانداران، رئیس جمهوری در سفر به قم خدمت مراجع رسیدند. آیا در این دیدارها درباره این انتصاب ها هم بحث شد، اگر شد، نظر مراجع چه بود؟

اتفاقاً آنچه می خواهم در پاسخ به این سؤال مطرح کنم، برای روزنامه ایران هم مهم است. در باب دولت، دو جهت می توان داشت: یک جهت، جهت ثابت است و جهت دیگر، متغیر. اگر بتوانید این دو جهت را به درستی تشخیص دهید و کارها براساس

این دو جهت پیش برود، بسیار مهم است. یکی از این جهت ها این است که اساساً دولت به چه مناسبت؟ چه جایگاه و هویتی دارد و مسئولیت های آن چیست؟ در کشور ما وضع به این صورت است که با انتخاب یک رئیس جمهوری جدید، همه چیز عوض می شود، در حالی که این روند ناصواب است. دولت بخش ثابتی دارد که هیچ وقت تغییر نمی کند. کارها و وظایفی هست که هر دولتی باید آنها را انجام دهد. خدمت به جامعه و تأمین گاز و برق از مسئولیت های ثابت دولت هاست. اما بخش متغیر دولت، این گونه است که به عنوان مثال بعد از روی کار آمدن آقای پزشکیان، این طور مطرح می کند که در نظام جمهوری اسلامی همه اقوام جایگاه دارند و من به اقوام جایگاه می دهم. یا اینکه ادیان رسمیت دارند و قانون اساسی هم آنان را بپذیرفته، من به معتقدان به این ادیان جایگاه می دهم. اینها بخش متغیر دولت هاست، اما این تغییرات هم در چهارچوبی اتفاق می افتد. وقتی ما به ظواهرنگاه می کنیم، انگار تغییر جری اتفاق افتاده است، مثلاً در این دولت گفته شد به دنبال وفاق هستیم و در دولت دیگری گفته شد با جهان صلح نمی کنیم، اما اگر منابع ملی به عنوان اصل ثابت تعریف و در نظر گرفته شود، دیگر مذاکره یا عدم مذاکره معنی ندارد.

ایران به چه معنا؟ وقتی پای منافع ملی در میان باشد، در هر مسأله‌ای باید به منافع ملی به عنوان اصل ثابت نگاه شود. در این صورت تغییرات در مراحل و سطوحی دیگر به تعیین اولویت ها مربوط می شود. به عنوان مثال، در دوره‌ای می تواند اولویت کشور این باشد که مثلاً رابطه خود را با منطقه تقویت کنیم. بر این اساس، تصمیمی که درباره اقوام و ادیان گرفته شد، در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی تعریف شده است. حال اگر در گذشته نبود، اشتباه بود. شاید گذشتگان به این چهره ها اعتماد نکردند، حالا آقای پزشکیان آمده و این رویکرد را مطرح و اجرا کرده است.

ایران در ماجرای حضور زنان در ورزشگاه ها، وزیرشردن و استاندار شدن زنان، انتصاب اهل سنت در دولت و مانند اینها، گفته می شد مراجع مخالفت می کنند. این مخالفت را تأیید می کنید؟ راه و طریقی مراجع عظام، کار فقهی است و فتوا می دهند. اگر یک حرکت با فتوا معارض باشد، طبیعی است که مخالفت می کنند، اما اگر کاری باشد که مغایرت با فتاوی ا فقهی نداشته باشد، بلکه یک تصمیم یا عملکرد اجرایی یا اجتماعی باشد، عموماً چنین ورودی صورت نمی گیرد. به عنوان مثال درباره تعطیلی شنبه ها، بیش از ۳۰ نهاد اقتصادی به دفاتر مراجع نامه نوشتند و گفتند تصمیم نگرفتن باعث بروز مشکلات اقتصادی می شود. این نهادها از مراجع خواستند این مسأله را بررسی کنند. بخش استثنای ما بررسی کردند، مطالعات را انجام دادند و در مقام نتیجه، تصریح کردند شبیه درباره تعطیلی روز شنبه، یعنی مشابهت با دیگر ادیان، مطرح نیست، لذا برای تعطیلی شنبه هیچ معنی وجود ندارد.

ایران بعد از اظهار نظر آیت الله صافی درباره سیاست خارجی، حملات سنگینی به ایشان شد. بعد از آن این طور برداشت شد که مراجع دیگر درباره سیاست خارجی و این طور مسأله ها صحبت نخواهند کرد و تجربه آنچه را که بر آیت الله صافی رفته، بیش چشم خواهند داشت، اما دیدیم که آیت الله جوادی آملی به این همه ها توجهی نکردند و همچنان در سیاست خارجی موضع صریحی را ابراز کردند. این صراحت و بیان چنین مسائلی از سوی آیت الله جوادی آملی ناشی از چیست، آیا ناشی از نگرانی بابت گسترش فقر در جامعه ماست؟

نمی شود از این واقعیت ها چشم پوشید. با اینکه منظره‌هایی که افراد از آنها به مسائل نگاه می کنند یکسان نیست. بنابراین در پاسخ ابتدا تأکید کنم به باور من، اگر از دیگر مراجع هم به طور خصوصی این سؤال را بپرسید، می ببینید آنان نیز هم زبان و هفکتر هستند، اما در مقام اظهار نظر علنی، لحن و بیان آنان متفاوت است؛ یعنی با توجه به شرایط کشور و جامعه، برخی مراجع بیانات روشن و صریحی دارند و شاید بیانات دیگر مراجع صریح و روشن نباشد، اما در مجموع، مسائل و مشکلات اقتصادی یک مسأله دودوتا چهارتا نیست. امر پیچیده و نادیدنی ای نیست.

ایران یعنی برای دیگر مراجع هم واقعیت اقتصادی و آنچه به واقع بر مردم می گذرد اولویت دارد؟

برای دیگر مراجع هم مسائل روشن است، اما در مقام اظهار، ملاحظاتی دارند. مثلاً درباره FATF ممکن است یکی از مراجع بر این نظر باشد که در صورت پیوستن به FATF به سلطه ای بر جامعه اسلامی ایجاد شود. توجه داشته باشیم که مراجع، نظام جمهوری و جامعه را در اولویت قرار می دهند. بر این اساس، همواره می گویند هر آنچه بنا باشد تهدیدی علیه جامعه و نظام اسلامی ایجاد کند، آن را کنار می گذاریم یا نهی می کنیم و چون چنین نگاهی نسبت به FATF ایجاد می شود، از تأیید آن فاصله می گیرند. در صورتی که اگر تواناید تصویر درست و دقیقی از ماهیت واقعی FATF ارائه دهید یا بتوانید توضیح دهید FATF به معنای سلطه نیست و جامعه به آن نیاز دارد، ممکن است مراجع ما مخالفتی نکنند.

امثال آیت الله جوادی آملی در افقی هستند که دیگران نمی توانند برایشان تصویرسازی کنند، اما در هر صورت ممکن است برای برخی دیگر از بزرگان چنین تصویرسازی هایی صورت بگیرد و احتمال دارد مواضع آنان هم متفاوت شود.

در مثالی دیگر، ممکن است در فرض، مسأله FATF به گونه ای تصویر کنید که موافقت با آن، یعنی مقابله با خون شهدا و نظام جمهوری اسلامی.

وقتی چنین فرضی بیان می شود، مراجع هم تصویب نکردن آن را تأیید می کنند؛ اما اگر فرض مسأله FATF این طور مطرح شود که یک پروتکل بین المللی است، همه کشورها آن را امضا کرده و قرار نیست با اعضای آن جایی خراب یا سلطه ای بر کشور اعمال شود، کسی دعوایی نخواهد داشت. وقتی بعضی ها، برخی منافع شان را پشت پرده نگه می دارند، اما وقتی مراجعه می کنند به جای بیان منافع، مطالب را این طور دیگری صورت سازی می کنند و می گویند اگر FATF همه وجود آب و خاک و هوای ایران را می پرستند.

ایران دفتر آیت الله جوادی آملی درباره تعطیلی روز شنبه چنین نظری دادند؟ دفتر آیت الله جوادی آملی اعلام کردند معنی برای اعلام تعطیلی روز شنبه نیست.

ایران نظر بیوت و دفاتر دیگر مراجع در این باره چه بود؟

بحث دفاتر دیگر مراجع این بود که می گفتند، از آنجا که یهودیان شنبه ها را تعطیل می کنند، تعطیلی روز شنبه، تشبیه و شبیه شدن به یهود محسوب می شود. دفاتر این مراجع، در مقام مصداق عنوان می کنند که تعطیلی روز شنبه، تشبیه به یهود است. حتی یکی از مراجع بزرگوار به مجلس نامه می نویسند و اعتراض می کند که شنبه را تعطیل نکنید، زیرا تشبیه به یهود است؛ اما مسأله اصلی این است که آقایان مراجع، فتوای فقهی می دهند. اگر فتوای فقهی که فتوا و نظر است، در قانون بیاید، همه ملزم به رعایت هستند، اما اگر فتوا در قالب قانون نیاید، الزام حقوقی ایجاد نمی شود و صرفاً یک فتواست. مشکل ما این است که نهاد های قانونی و فراقانونی درست می کنیم. این فراقانونی بودن، باعث می شود دست قانونگذار بسته شود. شوراهایی ایجاد می شوند که سهم تعیین کننده‌ای در قانونگذاری دارند. این مسائل را باید تبیین کرد.

برخی اعلام کردند این شورواها بیشتر یک نوع پوشش است، زیرا این طور گفته می شود که در این شورواها تصمیم می گیرند کاری انجام دهند و بعد هم می گویند این مسأله را در شورا به رأی گذاشتیم و چنین تصمیمی به دست آمد. از آن سو، در شورای فقهی بانک مرکزی به رئیس کل بانک مرکزی نظر مشورتی ارائه می کند، اما رئیس کل بانک مرکزی می تواند به این نظر مشورتی عمل کند یا نکند و اگر نکرد، هیچ مسأله‌ای ایجاد نمی شود.

ایران بعد از اظهار نظر آیت الله صافی درباره سیاست خارجی، حملات سنگینی به ایشان شد. بعد از آن این طور برداشت شد که مراجع دیگر درباره سیاست خارجی و این طور مسأله ها صحبت نخواهند کرد و تجربه آنچه را که بر آیت الله صافی رفته، بیش چشم خواهند داشت، اما دیدیم که آیت الله جوادی آملی به این همه ها توجهی نکردند و همچنان در سیاست خارجی موضع صریحی را ابراز کردند. این صراحت و بیان چنین مسائلی از سوی آیت الله جوادی آملی ناشی از چیست، آیا ناشی از نگرانی بابت گسترش فقر در جامعه ماست؟

نمی شود از این واقعیت ها چشم پوشید. با اینکه منظره‌هایی که افراد از آنها به مسائل نگاه می کنند یکسان نیست. بنابراین در پاسخ ابتدا تأکید کنم به باور من، اگر از دیگر مراجع هم به طور خصوصی این سؤال را بپرسید، می ببینید آنان نیز هم زبان و هفکتر هستند، اما در مقام اظهار نظر علنی، لحن و بیان آنان متفاوت است؛ یعنی با توجه به شرایط کشور و جامعه، برخی مراجع بیانات روشن و صریحی دارند و شاید بیانات دیگر مراجع صریح و روشن نباشد، اما در مجموع، مسائل و مشکلات اقتصادی یک مسأله دودوتا چهارتا نیست. امر پیچیده و نادیدنی ای نیست.

ایران یعنی برای دیگر مراجع هم واقعیت اقتصادی و آنچه به واقع بر مردم می گذرد اولویت دارد؟

برای دیگر مراجع هم مسائل روشن است، اما در مقام اظهار، ملاحظاتی دارند. مثلاً درباره FATF ممکن است یکی از مراجع بر این نظر باشد که در صورت پیوستن به FATF به سلطه ای بر جامعه اسلامی ایجاد شود. توجه داشته باشیم که مراجع، نظام جمهوری و جامعه را در اولویت قرار می دهند. بر این اساس، همواره می گویند هر آنچه بنا باشد تهدیدی علیه جامعه و نظام اسلامی ایجاد کند، آن را کنار می گذاریم یا نهی می کنیم و چون چنین نگاهی نسبت به FATF ایجاد می شود، از تأیید آن فاصله می گیرند. در صورتی که اگر تواناید تصویر درست و دقیقی از ماهیت واقعی FATF ارائه دهید یا بتوانید توضیح دهید FATF به معنای سلطه نیست و جامعه به آن نیاز دارد، ممکن است مراجع ما مخالفتی نکنند.

امثال آیت الله جوادی آملی در افقی هستند که دیگران نمی توانند برایشان تصویرسازی کنند، اما در هر صورت ممکن است برای برخی دیگر از بزرگان چنین تصویرسازی هایی صورت بگیرد و احتمال دارد مواضع آنان هم متفاوت شود.

در مثالی دیگر، ممکن است در فرض، مسأله FATF به گونه ای تصویر کنید که موافقت با آن، یعنی مقابله با خون شهدا و نظام جمهوری اسلامی.

وقتی چنین فرضی بیان می شود، مراجع هم تصویب نکردن آن را تأیید می کنند؛ اما اگر فرض مسأله FATF این طور مطرح شود که یک پروتکل بین المللی است، همه کشورها آن را امضا کرده و قرار نیست با اعضای آن جایی خراب یا سلطه ای بر کشور اعمال شود، کسی دعوایی نخواهد داشت. وقتی بعضی ها، برخی منافع شان را پشت پرده نگه می دارند، اما وقتی مراجعه می کنند به جای بیان منافع، مطالب را این طور دیگری صورت سازی می کنند و می گویند اگر FATF همه وجود آب و خاک و هوای ایران را می پرستند.



گفت و گو با رئیس بنیاد اسراء

بنیاد الله جوادی آملی

دیدار با رؤسای جمهوری منتشر نشود عرفی ندارد

به سوی خود به هر قیمتی. این تفکر ایران و اسلام

را با هم می خواهد، نه یکی را قربانی دیگری. این تفکر به جهان به مثابه فرصت می نگر، نه تهدید. گفت وگو با جنت الاسلام والمسلمین مرتضی جوادی آملی رئیس «بنیاد بین المللی علوم وحیانی اسراء» فرصتی بود برای آشنایی با این تفکر در مرجعیت و فقه، به ویژه که پسر تبیین کننده آرا و سلوک پدر، یعنی آیت الله عبد الله جوادی آملی نیز هست. این گفت وگو را بخوانید.

مسأله بوده است. آن جشنواره های کذا که در دوران رژیم پهلوی برگزار شد، چیزی جز باور ظاهری و نمایشی مبتذل از ایران نبود. حافظ را می بینیم که می گوید هر چه دارم از دولت قرآن دارم، اما این میان، تاریخی را به صورت سطحی نمایش می دهیم. بنابراین اگر آقایان مراجع به مسائلی مانند بنابرین اگر داشته‌ها و سرمایه‌های فرهنگی و تاریخی ایران مصادره شد، دوم اینکه آیت الله صافی را بخوانند، یا سایر کتاب هایی که محققان برجسته نوشته اند. باید به این نکته توجه کنیم که دو قطب بودن در مسائل فکری همواره وجود دارد و جای نگرانی نیست. کما اینکه در طب هم جریان وحیانی، به همراه شوق مراجع و غور آنان در این مفاهیم، سبب شده همت و عمر خود را صرف احیا و نشر این مفاهیم بکنند.

ایران این تأکید آیت الله جوادی آملی مبنی بر این که «ایرانی ها بزرگ زاده اند» و باید مطابق این بزرگ زادگی با آنان رفتار شود، به چه نقض و کاستی در حال حاضر اشاره دارد؟ انتقاد از چیست؟

آیت الله جوادی آملی در بیان دیگری این مطلب را کامل کردند. ایشان فرمودند ما ایرانیان اهل فخر و روشی نیستیم، اما وقتی جامعه خود را با جوامع دیگر می سنجمیم، این بزرگی را می بینیم. آیت الله جوادی آملی می گویند کشورهای همسایه ما، حداکثر یک کشور شاهی بودند، اما ایران کشور شاهنشاهی بود، یعنی شاه شاهان داشت. منظور این که این سرزمین، کهن و دارای پیشینه بسیار است. حتی پیش از اسلام هم جریان های فکری و تاریخی عظیمی در آن اتفاق افتاد. برای همین است که جای جای ایران تاریخی و فرهنگی، از قاراب تا بخارا و سمرقند، و از فارس تا گیلان و مازندران، شخصیتی بزرگ می جوشید و امروز هم می جوشد. ایران کشوری عظیم است. در سفری به توکیو به دیارتمان فلسفه دانشگاه این شهر رفتم. آنجا سؤال کردند اکنون ۵۰ کشور اسلامی در جهان هست، چرا از این کشورها یک نفر در حد شهید مطهری نداریم؟ جویا شدند که چرا شخصیت های علمی در ایران رشد می کنند؟ پاسخ من این است که: تردیدی نیست که بنیه ذاتی این رشد و بالیدن متفکران، برای کشور ایران است. زیرا بنا به بیاناتی که به ما رسیده، ایران لابد بهره‌مندی و هوشمندی فوق العاده‌ای دارد که